روزنه‌ای از نور

گفتگو با رشید قویلیب از اعضای حزب کمونیست عراق و اینگا رگ خبرنگار و قوم‌شناس آلمانی که سالهاست از کردستان عراق گزارش می‌دهد

○ پرسش: آمریکایی‌ها اضافه بر تهدید امنیت جهان از سوی عراق ادعا می‌کنند، می‌خواهند عراق را آزاد سازند. استدلالی که در صفوف چپها نیز طرفدرانی دارد. اگر گزارش‌های خبری رسانه‌ها را باور کنیم بنظر می‌رسد بخش بزرگی از مردم عراق خواهان رهایی از دست صدام هستند. چرا حزب کمونیست عراق مخالف جنگ است؟

□ رشید قویلیب: ما فکر می‌کنیم جنگ لطمات عظیمی به مردم عراق وارد خواهد کرد و آنچیزی که از زیرساخت عراق باقیمانده را نابود خواهد ساخت. چنین جنگی دموکراسی و حقوق بشر به ارمغان نخواهد آورد. آمریکایی‌ها آشکارا از اشغال نظامی و به عبارتی دیگر از اداره نظامی عراق سخن می‌گویند. دیکتاتوری صدام برای آنها بهانه‌ای بیش نیست. حزب کمونیست عراق خواهان آلترناتیوی دموکراتیک و دولتی فدرال است که در آن کردها به حقوق‌شان دست یابند. اما آمریکایی‌ها در واقع دیکتاتوری می‌برند تا دیکتاتوری بیاورند.

من بر یک نکته تاکید می‌کنم: ما مخالفتمان را با جنگ صریحا ابراز می‌داریم اما این بدان معنا نیست که ما از قهر علیه صدام استفاده نخواهیم کرد. ما پاسیفیست نیستیم. ما سالهاست با رژیم مبارزه مسلحانه می‌کنیم.

○ پرسش: اظهار نظرهای احزاب کردی نوای دیگری دارند. در نشریه اشپیگل سخنگوی جبهه میهنی در همین مورد گفته است: ما منتظر آمریکایی‌ها به مثابه نجات‌دهندگانمان هستیم. آیا کردها تجارب سال ۱۹۹۱ و ۱۹۹۶ را فراموش کرده‌اند. آمریکایی‌ها آنها را تنها گذاشتند. آیا جنگ کردها را نیز تهدید نمی‌کند؟

■ اینگا رگ: مواضع کردها دو گانه است. نه مردم کرد و نه سیاستمداران کرد از جنگ آمریکا علیه عراق، با شور و شعف استقبال نکردند. اگر احزاب کرد از آمریکا پشتیبانی می‌کنند، باید به این نکته توجه داشت که کردستان دولت مستقلی نیست تا بتواند به تنهایی از منافعش دفاع نماید. تنها حمایتی که دولت منطقه‌ای کردستان از آن برخوردار است منطقه پرواز ممنوعه برای دولت عراق توسط آمریکایی‌ها و بریتانیایی‌هاست. جلب حمایت کردها از سوی آمریکایی‌ها بدین خاطر سهل و آسان است. کردها آلترناتیو دیگری ندارند. نباید کمترین تردیدی بخود راه داد که اگر چنین حمایتی وجود نداشت، دولت بعثی به کردستان حمله نظامی خواهد کرد.

همزمان نباید فراموش کرد کردها و مجموعه اپوزیسیون ۳۰ سال است که مصالحه با رژیم می جنگند. اپوزیسیون مشترکا اعتقاد دارد که رژیم با قهر کنار رفتنی است. از اپوزیسیون عراق این انتظار را داشتن که به نفع گزینه صلح وارد میدان شود، مهمل است. زیرا فرانسه، آلمان و روسیه در ۱۲ سال گذشته دست به هیچ اقدامی برای اجرای قطعنامه ۶۸۸ نزده‌اند. قطعنامه‌ای که از عراق می‌طلبید تا به دموکراسی و حقوق بشر توجه نماید.

□ قویلیب: ما اساسا با مشارکت بین‌المللی مخالفتی نداریم. اما ما جنگ و اشغال کشورمان را نمی‌پذیریم. در آخرین بیانیه حزب کمونیست عراق ما خواهان کنفرانسی بین‌المللی تحت نظارت سازمان ملل متحد با شرکت اپوزیسیون عراق شده‌ایم.

○ پرسش: در دسامبر سال گذشته ۳۰۰ نماینده از جریانهای مختلف اپوزیسیون در لندن گردهم آمدند تا پیرامون عراق پس از جنگ گفتگو کنند. در ادامه این روند چندی پیش در صلاح‌الدین - شمال عراق - دیداری دیگر برگزار شد. چرا شما در این نشستها شرکت‌ها نکردید؟

□ قویلیب: به نظر ما کنفرانس لندن همایشی تبلیغی برای پیشبرد سیاست جنگی آمریکا با نتایج از پیش تعیین‌شده بود. در لندن فقط پیرامون لحظه و عراق پس از صدام صحبت شد. سئوال تغییر رژیم و چگونگی سرنگونی صدام، اصلا در دستور قرار نگرفت. اگر قرار باشد صدام توسط آمریکایی‌ها سرنگون شود، قطعی است که آنها نیز آینده کشور را رقم خواهند زد.

نکته قابل انتقاد دیگر، تقسیم کرسی نمایندگان شورای سخنگویان بود، شورای سخنگویان نه بر حسب تنوع، وزن و سمتگیری‌های متفاوت سیاسی بلکه بر اساس تقسیم بندی قومی، دینی شکل گرفت. این انتخاب سیاسی اقدامی مخاطره آمیز است چون راه را برای درگیری‌های نوینی هموار می‌سازد. این اقدام مدل فرانسویان بین سالهای ۱۹۲۶ و ۱۹۴۳ در تهیه قانون اساسی لبنان را تداعی می‌کند که به فاجعه جنگ داخلی در دهه ۷۰ انجامید. با همه این اختلافات ما با بسیاری از نیروهای حاضر در کنفرانس لندن روابط خوبی داریم و به فعالیت‌های مشترک دست می‌زنیم.

○ پرسش: دو حزب بزرگ کردستان عراق، حزب دموکرات و جبهه میهنی، در کنفرانس لندن شرکت کردند و عملا در نشست صلاح‌الدین تفنگ میزبان را ایفا نمودند. آنها تا چه اندازه‌ای می‌توانند سیاست‌شان را پیش ببرند؟

■ اینگا رگ: در برنامه سیاسی مصوب در کنفرانس لندن برای عراق قانون اساسی دموکراتیک و فدرال پیش‌بینی شده است. فدرالیسم یکی از خواست‌های مرکزی کردهاست. با اعلام موافقت همه گروههای اپوزیسیون با این خواست، گامی مهم برای تشکیل دولتی برداشته شده که در تحلیل نهایی مرز جدی با ناسیونالیسم عربی دارد و تاکنون ناسیونالیسم عربی بوده که حقوق قومی و مذهبی اقلیتها را به رسمیت نشناخته است. اما معضل هم در همینجا نهفته. ناسیونالیست‌های افراطی به سادگی شکست را نمی‌پذیرد. در ضمن در برنامه فوق اجرای شرع در امور قضایی تعبیه شده که در نزد سکولارها، یزیدی‌ها و مسیحی‌ها به اعتراضات جدی دامن زده و می‌زند. تازه همه می‌دانند که تصامیم تعیین‌کننده پس از سرنگونی صدام گرفته خواهند شد.

○ پرسش: در گزارشات به‌اصطلاح آگاهان امور خاورمیانه و طراحان استراتژی‌های آمریکا مرتب سخن از قومها و گروههامی‌شود. همه صحبت از فروپاشی عراق در میان است.

■ اینگا رگ: من معتقد نیستم پس از سرنگونی صدام «قومها بجان هم می‌افتند». این تصویری است که از سوی فاشیستها ترسیم می‌شود تابجای انتخاب آزادانه انسانها، ایلها و طوایف به یگانه مرکز قدرت تبدیل شوند.

□ قویلیب: تقسیم قومی عراق که تا سال ۱۹۹۱ هیچ صحبتی از آن نمی‌شد از طرف گروههای متفاوت با مقاصد متفاوت مطرح می‌شود. برای آمریکایی‌ها دلیلی برای اشغال عراق است و برای صدام حسین استدلالی اینگونه: اگر من بر سرکار نباشم، عراق در آتش جنگ داخلی خواهد سوخت.

■ اینگا رگ: مدل فوق راه دخالت همسایگان در امور عراق را هموار می‌سازد. ادعای ترکیه اینچنین فرمی دارد: اگر برای کردها ایالت خودمختار خواهند داشت، چرا ترکمن‌ها نه؟ قومی‌کردن درگیریها از خارج نیز نیرو می‌گیرد و بخشا معضلی عراقی است.

□ قویلیب: مسئولیت اصلی این نزاعهای قومی و مذهبی بر دوش صدام است. پس از اینکه حزب بعث در سال ۱۹۹۱ پشتوانه مردمی‌اش را بکلی از دست داد تلاش کرد خود را ناجی سنی‌ها در برابر شیعیان نشان دهد.

○ پرسش: ترکیه سیاست فوق را بشدت می‌تازاند. کار به آنجا کشیده که مرکز تحقیقات ترکیه یک دانشگاه در آلمان، سخن از ۲ میلیون ترکمن می‌گوید و در خود ترکیه از ۳ یا ۴ و حتی در برخی ارقام از ۵ میلیون ترکمن خبر می‌دهند.

■ اینگا رگ: پس از جنگ ۱۹۹۱ تا میانه سالهای نود در کردستان مردم در وضعیت بدی بسر می‌بردند. از این وضعیت بیش از همه ترکیه استفاده برد. ترکیه در آنزمان کمکهایش را مشروط به آن کرد که این کمکها فقط در اختیار ترکمنها قرار گیرند. در آنروزها کردهایی که کمی ترکی بلد بودند خودشان را ترکمن معرفی می‌کردند تا از این کمکها بهره ببرند. در آن روزها بر تعداد ترکمنها بسرعت افزوده می‌شد.

ادعاهای ترکیه بر ارقام این دوره استوارند. علاوه بر این کل جمعیت حاضر در منطقه‌ای که زیر نظر دولت خود مختار اداره می‌شود، سه و نیم میلیون نفر است.

□ قویلیب: من باید اضافه کنم که صدام حسین آغازگر چنین کارهایی در عراق است. این صدام بود که ترکمنها و کردها را بزور کارت شناسایی عرب می‌کرد. صدام، کردها را در سرشماریها مجبور کرد دسته دسته در کرکوک خود را عرب معرفی نمایند تا نمودار جمعیت عراق به نفع امیال سیاسی وی تغییر یابد.

برگردان از آلمانی: داراب شکیب

اتحاد علیه فاشیسم

بخش هایی از سخنرانی نخست وزیر دولت منطقه‌ای کردستان عراق بهرام صالح در کنفرانس انترناسیونال سوسیالیستی بتاریخ ۲۰ ژانویه در رم

رفقا و دوستان عزیز،

... ما دموکراتهای عراقی از بسیاری از اروپایی‌ها می‌شنویم که ما نباید از خارجی‌ها برای مقابله با وحشی‌گری‌های صدام برای رهایی کشورمان کمک بطلبیم. آنها می‌گویند جنگ فقط بر سر نفت است و جنگ همیشه امری خطاست و توده‌های عرب و مسلمان بر ضد ناجایان‌شان جبهه خواهد گرفت. بگذارید من از این فرصت استفاده‌کنم و به شما بگویم چرا جای چنین نظراتی اینجا نیست. من می‌دانم این حرفها از سوی کسانی ابراز می‌شود که امیال نیکی دارند و یا آگاه به وضعیت اسفبار حقوق بشر در منطقه ما هستند ولی متاسفانه سماجت و ثابت‌قدمی بر سر مواضع، ما را از چنگال دیکتاتوری نجات نخواهد داد، دیکتاتوری که ۳۵ سال است ما را اسیر خود کرده است.

از اینرو موقعیت ما به ایتالیایی‌ها شباهت دارد که اکثریت عظیم‌شان چندان علاقه‌ای به فاشیسم نداشتند ولی نزدیک بیست سال باید منتظر کمک خارجی می‌ماندند. تا به آزادی برسند. ما یک منطقه آزادشده در کردستان عراق را در اختیار داریم اما محتاج به کمک بین‌المللی هستیم تا بتوانیم جنگی را که رژیم یعنی به مردم عراق تحمیل کرده را بپایان برسانیم.

بسیاری از تظاهرکنندگان در خیابانها می‌گویند این جنگ بخاطر نفت براه افتاده است. عراقی‌ها واقفند که جهانیان به حقوق آنها به دفعات بی توجهی نشان داده‌اند زیرا که نفت عراق مهمتر از حقوق بشر عراقی بوده است. شاید این شوخی تاریخ است که اینبار نفت دلیل آزادی ما باشد. اگر این دفعه چنین چیزی رخ دهد. راستی چه اشکالی دارد؟ شاید اینبار نفت رحمتی باشد و نه لعنتی که تاکنون بوده.

بسیاری در خیابانها می‌خواهند: جنگ، نه! من کاملا موافقم‌را با این موضوع اعلام می‌کنم من هم نه جنگ‌طلبم و نه خواهان کشته‌شدن مردم. اما جنگ مدتهاست که آغاز شده. استبداد یعنی چند دهه است که جنگ را بر دیگران تحمیل کرده و تاکنون هزاران غیر نظامی را به قتل رسانده است. در همین لحظات‌که ما در کنار یکدیگر نشسته‌ایم کرکوک، خانقین و سنجر شاهد سرکوب قومی توسط عوامل دیکتاتور یعنی هستند. من از کسانی که اکنون به بغداد می‌روند تا سپر انسانی شوند، می‌پرسم چرا در سال ۱۹۸۸ در حلبچه سپر انسانی نساختید. در جایی که ۵۰۰۰ کرد عراقی توسط گاز بمقتل رسیدند. چرا نتوانستید در سال ۱۹۹۱ در کربلا و نجف سپر انسانی شوید تا از کشتار شیعیان عراق جلوگیری نمایید؟ به آنهایی که جنگ، نه! می‌خواهند، می‌گویم. طبعا اما ما فقط زمانی می‌توانیم با جنگ سروکاری نداشته باشیم که دیکتاتوری هم نداشته باشیم و خلق‌کشی نیز صورت نگیرد. ما راجع به همبستگی مسلمانها و افکار عمومی اعراب در اینروزها زیاد می‌شنویم. من از افکار عمومی در بغداد مطلع هستم. من به شما تضمین می‌دهم که در روز آزادی از ستم مستبد یعنی بسیاری از عراقی‌ها پایکوبی خواهند کرد.

بگذارید یکبار دیگر به آزادی رم در سال ۱۹۴۴ بیندیشیم. تجربه شما در ایتالیا برای ما بسیار ارزشمند است. رژیم عراق شباهت زیادی به رژیم موسولینی خواهد داشت ما با دیکتاتوری مواجه‌ایم که مانند موسولینی محاسباتش برای بقا خطا از کار در خواهد آمد و زمان دیکتاتوری‌اش در برابر عزم و اراده جامعه بین‌المللی که از سیاست تهدید نظامی نیز حمایت می‌کند، مدت زیادی طول نخواهد کشید. یک دموکراسی هر چند در ابتدا نابسامان، می‌تواند در روندی که کمابیش با وضعیت شما در سال ۱۹۴۴ شبیه خواهد بود، پا بگیرد. برای عملی‌شدن این امر ما به کمک شما نیازمندیم. ما به حمایت شما پس از آزادسازی نیاز داریم تا عراق دموکراتیک، فدرال، آزاد و باثبات باشد. ما به مشارکت شما نیازمندیم تا عراق آزاد شده، حق انتخاب را برای همه خلقهایش تضمین کند و دولت در خدمت شهروندان به فعالیت بپردازد.

دوستان، جنگ بر علیه کشور عراق نخواهد بود، عراق آزاد خواهد شد و باید آزاد شود. شما باید در آزادسازی عراق مشارکت داشته باشید. برای پایبندی به ارزشها، ارزش‌های انترناسیونال سوسیالیستی که در ضدیت کامل با دیکتاتوری و راسیسم قرار دارند. بگذارید در چارچوب همبستگی‌امان به تلاش مشترکی دست بزنیم تا عراق و خاورمیانه مکانهایی برای آزادی و صلح شوند.

قانون اساسی ۲۱۶ سال پیش و قانون اساسی جمهوری اسلامی

ادامه از صفحه ۶

۵ - چاپ اسکناس و تعیین ارزش آن و تعیین استانداردهای اندازه‌گیری در سراسر کشور از اختیارات کنگره است.

۶ - تنبیه جعل‌کنندگان پول و اوراق بهادار بر عهده کنگره است.

۷ - ایجاد و ساختن سازمان‌های پستی و ایجاد راهها برای رساندن پست از اختیارات کنگره است.

۸ - برای پیش‌رفت و تشویق علوم و هنرهای سودمند حق آفرینندگان آن‌ها برای مدت معینی محفوظ است مانند (دانشمندان، هنرمندان، نویسندگان و مخترعین).

۹ - ایجاد دادگاه‌های ایالتی یا کشوری کمتر از دادگاه عالی فدرال به عهده کنگره است.

۱۰ - تنبیه خلافت‌کارهایی که در دریاها صورت می‌گیرد به عهده کنگره است.

۱۱ - اعلام جنگ از اختیارات کنگره است.

۱۲ - ایجاد و حمایت از ارتش و تعیین بودجه‌های آن در اختیار کنگره است.

۱۳ - ایجاد و حمایت از نیروی دریایی به عهده کنگره است.

۱۴ - وضع قوانین مربوط به نیروهای مسلح از اختیارات کنگره است.

۱۷ - اداره پایتخت و اماکن نظامی در اختیار کنگره است.

۱۸ - کنگره حق دارد برای پیشرفت اختیارات کنگره قانون وضع کند.

بخش ۹ ممنوعیت‌ها و محدودیت‌های کنگره

۱ -...

۲ - هیچ کس را نمی‌توان بدون مدرک متهم یا دستگیر یا زندان‌کرد. مگر در موارد شورش یا تجاوزکه امنیت و سلامت جامعه آن را اجتناب‌ناپذیرکند.

۳ - هیچکس را نمی‌توان قبل از محاکمه و محکومیت در دادگاه‌های قانونی مجازات یا تنبیه کرد - کسی را نمی‌توان به خاطر اعمالی‌که زمان وقوع منع قانونی نداشته مجازات یا محاکمه کرد.

۴ -....

۵ - حق بستن مالیات بر محصولاتی را که صادر می‌شوند را ندارد.

۶ - حق ندارد امتیاز خاصی را به برخی یا یکی از ایالت‌ها بدهد.

۷ - بدون وضع قانون هیچ پولی را نمی‌تواند خرج کند. تمامی فعالیت‌ها باید مکتوب شوند.

۸ - حق تفریض عناوین غیرعادی نظیر شاه و ملکه را ندارد. و هم‌چنین تمامی کارکنان دولتی منع هستند از پذیرش عناوین یا هدایا از دولت‌های خارجی.

بخش ۱۰ - ممنوعیت‌های ایالتی

۱ - دولت‌های ایالتی نمی‌توانند قرارداد ببندد، پول چاپ‌کنند یا هر عملی‌که به وسیله قوانین فدرال از آن منع شده باشند.

۲ - بدون تصویب کنگره نمی‌توانند بر صادرات یا واردات مالیات وضع کنند.

۳ - حق ندانند بدون اجازه کنگره نیروهای مسلح نگاهداری‌کنند. به جنگ بروند یا توافق‌نامه با دیگر ایالت‌ها یا کشورهای بیگانه امضاکنند.

همان گونه‌که در مقدمه گفته شد این فصل اول از ۷ اصل قانون اساسی ایالات متحده بود.

البته همین مقدار هم برای دریافت وضع اسفناک قانون اساسی و ارگان‌های ضدمردمی در ایران و دروغین بودن مجلس نمایندگان در ایران آشکار شود.